

تحلیل گفتمان عاشوراپژوهی در ایران معاصر (۱۳۴۰ تا ۱۳۹۰)

سید حسین یوسفی فخر^۱، محراب صادق نیا^۲ و سید محمد حسینی^۳

چکیده

پژوهش‌نامه تاریخ تشیع

سال چهارم، شماره ۳،

پاییز ۱۳۹۹

۱۱۵

عاشورا از روزگار نخست تا کنون، موضوع پرکششی برای پژوهشگران مختلف بوده است. مقاله پیش‌رو با رویکرد کیفی و تحلیل گفتمانی، زمانه ۱۳۴۰ تا ۱۳۹۰ جامعه ایرانی را کاویده، و گفتمان‌های عاشوراپژوهی این دوره تاریخی را بررسی و تحلیل کرده است. مسئله اصلی این پژوهش، کشف گفتمان‌های مهم در عاشوراپژوهی در مقطع تاریخی یادشده است. روش تحقیق در این مقاله، کیفی است و در آن از روش، تحلیل گفتمان لاکلا و موفه استفاده شده است. نتایج پژوهش نشان می‌دهد، سه گفتمان برتر این دوره پنجاه‌ساله که یا در طول هم، یا هم‌زمان با هم جریان داشته‌اند، عبارت‌اند از: گفتمان انقلابی، اصلاحی و احساسی. عاطفی. بررسی ادبیات عاشوراپژوهی، نشانگر تأثیر اوضاع اجتماعی. سیاسی و چالش سنت و تجدد بر این رویکردها و گفتمان‌هاست. همچنین برآیند پژوهش، نشان از یک گفتمان فعال، ولی پنهان دارد. یعنی گفتمان اخلاقی که از دید مورخین و پژوهشگران مغفول مانده؛ ولی این پژوهش به آن پرداخته است.

کلیدواژه‌ها

تحلیل گفتمان، عاشوراپژوهی، گفتمان انقلابی، گفتمان اصلاحی، گفتمان احساسی. عاطفی و گفتمان اخلاقی.

۱. دانشجوی دکتری تاریخ تشیع اثناعشری دانشگاه ادیان و مذاهب قم (نویسنده مسئول):

s.hos.usefifakhr@gmail.com.

۲. استادیار دانشگاه ادیان و مذاهب قم.

۳. استادیار دانشگاه ادیان و مذاهب قم.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۰/۲۷ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۹/۵

مقدمه

اهمیت رخداد عاشورا در سال ۶۱، سبب شده است تا پژوهشگران زیادی، ترغیب شده و در این حوزه قلم بزنند. این پژوهش‌ها، همواره در پیوند با شرایط تاریخی و اجتماعی دوره‌های مختلف تاریخی بوده‌اند. به این معنا که پژوهشگران تلاش کرده‌اند تا از ره‌آورد پژوهش‌هایی که درباره عاشورا دارند، پاسخی برای مسائل و چالش‌های روزگار خود بیابند. این مسئله، تا حد زیادی عاشورا را از یک رخداد تاریخی صرف خارج کرده و به کانونی معنابخش برای جامعه در شرایط مختلف، تبدیل کرده است؛ به همین سبب، می‌توانیم رویکردهای مختلفی در پژوهش‌های عاشورایی ببینیم. مطالعه این رویکردها، به دلیل تأثیری که از وضعیت‌های اجتماعی گرفته و اثری که بر آن‌ها داشته‌اند و نیز نقشی که در صورت‌بندی جامعه دارند، می‌توانند گفتمان نامیده شوند، به خودی خود و فارغ از آن چه به لحاظ تاریخی در محرم ۶۱ گذاشته است، مهم و شایسته بررسی هستند. این مقاله برآن است تا این گفتمان‌ها را در نیم سده اخیر، بررسی و تحلیل نماید و ضمن پاسخ‌گویی به پرسش‌هایی چون: آیا در عاشوراپژوهی می‌توان از گفتمان‌های مختلف سراغ گرفت؟ چرا گفتمان‌ها و روایت‌ها متفاوت و در تضاد و تا اندازه‌ای در تقابلند؟ چه عواملی در این غیریت مشارکت و تأثیرگذار هستند؟ نشان دهد که چگونه فرآیند این تعامل‌ها یا تقابل‌ها موجب بوجود آمدن پژوهش‌هایی در خور ستایش شده است. روش ما در این مقاله اسنادی و کتابخانه‌ای است. به این معنا که نویسندگان کوشیده‌اند تا با بررسی ادبیات موجود و تحلیل محتوای آن‌ها به گفتمان‌های مختلف دست بیابند. این تحقیق بر اساس نظریه گفتمان لاکلا و موفه انجام شده است.

مفاهیم کلیدی

در این پژوهش دو متغیر اصلی وجود دارد که لازم است در ابتدای مقاله به آن‌ها اشاره

شود:

۱. گفتمان

گفتمان، مفهومی است چندمعنایی. کثرت معانی این مفهوم، موجب پیچیدگی و ابهام در دریافت صحیح معانی، تعریف، فهم دقیق نقش، جایگاه و کارویژه‌های آن شده است (مک دائل، ۱۳۸۰، ۹). برخی دیگر، آن را مفهومی ذاتا گنگ و مبهم می‌دانند (آسابرگر، ۱۳۹۸، ۲۱). با تمام این ابهام‌ها و پیچیدگی معانی، تعریف‌های زیادی از آن ارائه شده است. برخی آن را نوعی ارتباط یا مفاهمه زبانی می‌دانند که به صورت قرارداد بین گوینده و شنونده، به مثابه فعالیتی بین اشخاص دیده شده که شکل آن، توسط اهداف اجتماعی آن تعیین می‌شود. البته متن نیز نوعی ارتباط زبانی، اعم از گفتاری و نوشتاری است (مک دائل، ۱۳۸۰، ۲۹). مفهوم گفتمان نیز از نظر لاکلا و موفه، نه تنها زبان، بلکه حوزه اجتماع را در برمی‌گیرد. از نظر آن‌ها، امور اجتماعی به مثابه ساخت‌های گفتمانی قابل فهمند (سلطانی، ۱۳۸۴، ۷۴ و ۸۴). آن‌ها معتقدند، گفتمان، حوزه‌ای است که مجموعه‌ای از نشانه‌ها در آن به صورت شبکه‌ای در می‌آیند و معنایش در آنجا تثبیت می‌شود. (سلطانی، ۱۳۸۴، ۷۶).

۲. عاشوراپژوهی

مراد ما از عاشوراپژوهی لزوماً مطالعاتی که به صورت کتاب یا مقاله درآمده‌اند نیست. بسیاری از آن‌چه در باره عاشورا گفته یا شنیده می‌شود، احتمالاً صورتی مکتوب نیافته و با شکل یک کتاب یا مقاله درنیامده‌اند؛ باین حال، برای کشف ادبیات عاشوراپژوهی و صورت‌بندی آن، لازم هستند. به همین دلیل در این پژوهش موردتوجه بوده‌اند.

بررسی ادبیات عاشوراپژوهی

بررسی ادبیات موجود در زمینه عاشورا، به ما نشان می‌دهد که پژوهش‌گران با رویکردها و دغدغه‌های مختلفی به بررسی این رخداد تاریخی پرداخته‌اند. در بررسی این ادبیات، می‌توانیم به چهار گونه از ادبیات یا گفتمان دست بیابیم که در ادامه با آن‌ها آشنا می‌شویم.

۱. گفتمان انقلابی

در یک جامعه پویا، دگرگونی‌های بسیاری پیش می‌آید. یکی از آن‌ها انقلاب است که مفهوم مقابل آن، «اصلاح» است. انقلاب (Revolution) را در لغت، به معنای دگرگونی، برگشتن، تغییر و تحول نیز معنا نموده‌اند. انقلاب در اصطلاح، دگرگونی‌های بنیادین و اساسی جامعه توسط مردم را می‌گویند؛ به عبارت دیگر، «انقلاب یک دگرگونی سریع، بنیادی و خشونت‌آمیز داخلی در ارزش‌ها و اسطوره‌های مسلط بر یک جامعه، نهادهای سیاسی، ساختار اجتماعی، رهبری و فعالیت‌های حکومتی است» (هانتینگتون، ۱۳۷۰: ۳۸۵).

پژوهش‌نامه تاریخ تشیع

سال چهارم، شماره ۳،
پاییز ۱۳۹۹

۱۱۸

در تحولات دهه ۴۰ و ۵۰ ش ایران، جریان‌های فکری مختلفی در صدد تکوین ایدئولوژی سیاسی و انقلابی شیعی، به ویژه در حوزه عاشوراپژوهی بوده‌اند. صالحی نجف‌آبادی و دکتر علی شریعتی، از جمله کسانی بودند که سهم به‌سزایی در این حوزه داشتند. این دو، با انتشار آثار خود به خصوص در حوزه عاشوراپژوهی، بر فضای فکری جامعه ایران مؤثر واقع شدند و جریان فکری‌ای را به وجود آوردند که به تدریج در جامعه ایران، به شکل یک گفتمان بروز یافت. این گفتمان، دارای دو محور و رویکرد «تشکیل حکومت» و «شهادت» بوده است که آن‌ها را گفتمان انقلابی نامیده‌اند. در پیوند روش گفتمان با انقلاب، می‌توان گفت:

گفتمان، روشی برای فهم معنا و مفهوم متن است که دامنه‌ای بس گسترده از داده‌های زبانی و غیرزبانی، گفتارها، گزارش‌ها، حادثه‌های تاریخی و اندیشه‌ها، در خود دارد. ز سویی مفهوم «انقلابی»، نیز می‌تواند، تحول بنیادی و دگرگونی اساسی در جامعه ایجاد کند. پس «گفتمان انقلابی»، روشی نو برای فهم معنا و مفهوم متن‌ها، گزارش‌ها، گفتارها اندیشه‌ها و حادثه‌های تاریخی است.

گفتمان انقلابی، می‌خواهد تفاوت بنیادی و تحول اساسی‌ای در جامعه به وجود آورد، و طبیعتاً در تعارض با نظام حاکم و ارزش‌ها و بنیادهای اساسی آن است؛ لذا برای رسیدن به این هدف، کوشش می‌کند از عاشورا و شخصیت‌ها و نمادهای آن استفاده

نماید. بدین جهت این گفتمان را باید گفتمان انقلابی در حوزه عاشورا پژوهی نامید.

شاخصه‌های گفتمان انقلابی

این گفتمان سیاست‌گریز نیست، بلکه به تعامل دین و سیاست باور دارد؛ لذا این گفتمان، در تقابل با گفتمان‌های عاشورا پژوهی است که کنش فردمحور و فردگرایانه دارند. تغییر در روابط میان عناصر درون جامعه با قدرت حاکم، از شاخصه‌های اصلی گفتمان انقلابی است. صاحب‌نظران این گفتمان، بر این باورند که امام حسین قیام کرد تا حکومت و ساختار سیاسی جامعه را ساقط نماید و تشکیل حکومت دهد. گروهی دیگر معتقدند، امام حسین از وضعیت موجود ناخشنود بود. می‌خواست با شهادت خود حاکم و حکومت را رسوا نماید و مشروعیت و مقبولیت آن را زیر سؤال ببرد. امام تلاش کرد تا به مردم زمان خود نیز بیاوراند که این حکومت باطل است و حقیقت در جای دیگری است. از جمله معتقدین این گفتمان، صالحی نجف‌آبادی است که عوامل قیام عاشورا را از دو ناحیه بررسی می‌نماید. یکی از ناحیه دستگاه حکومت و دیگری از ناحیه امام حسین (صالحی نجف‌آبادی، ۱۳۶۰: ۴ تا ۳۵). در اصل ایشان به رابطه دولت و جامعه که یک رابطه دیالکتیک و تعاملی است، می‌پردازد و نشان می‌دهد، عاشورا از تضاد بین دولت و جامعه به وجود آمد (امیرمحللاتی، ۱۳۹۹: ۲۹ و ۳۰).

یکی دیگر از شاخصه‌های این گفتمان، اصالت‌گرایی است؛ یعنی این پژوهش‌ها تأکید دارند که مفاهیمی در قیام امام حسین بوده که آن مفاهیم تغییر بنیادی کرده است و از اصالت اولیه خود دور شده است. در این گفتمان تمرکز بر بازگشت به آن مفاهیم اصیل است. به همین جهت بر مؤلفه‌هایی چون: نجات اسلام و مسلمانان، احیاء سنت پیامبر اسلام، برگرداندن امامت به جایگاه اصلی خود، واژگونی و سوزاندن ریشه حکومت ظالم و فاسد تأکید دارد.

یکی دیگر از مؤلفه‌های این گفتمان الگوپذیری آن است (صالحی نجف‌آبادی، ۱۳۶۰: ۲۸۹ و ۲۹۳؛ شریعتی، ۱۳۶۷: حسین وارث آدم، مجموعه آثار ۱۹، ص ۱۳۶، ۱۵۳، ۱۷۰ و

۱۷۱). صالحی نجف‌آبادی معتقد است، حرکت سید الشهداء علیه السلام علاوه بر جنبه‌های الهی و آسمانی که دارد، از نظر سنت‌های عقل و قوانین اجتماعی نیز، حرکتی عاقلانه و ضروری و غیرقابل اجتناب است؛ یعنی نهضت وی از دیدگاه یک سیاست‌مدار با فراست نیز، خردمندانه‌ترین و واقع‌بینانه‌ترین، نهضت بوده است (صالحی نجف‌آبادی ۱۳۹۵: ۱۴). وی می‌گوید چون قیام امام علیه السلام از مجرای کارهای عقلانی و طبیعی بررسی شده است؛ پس راه و روش او، موجب الگوبرداری برای دیگران نیز هست (صالحی نجف‌آبادی، ۱۳۸۰: ۱۶۹)؛ درحالی‌که بر اساس نظریه شهادت عرفانی، حرکت امام علیه السلام نه قابل الگوپذیری است و نه قابل پیروی است. چون که خطاب: «خدا خواسته تو کشته شوی»، مخصوص امام حسین علیه السلام است و عملی شخصی، استثنایی و اختصاصی محسوب می‌شود (صالحی نجف‌آبادی، ۱۳۹۵: ۲۳۶).

باتوجه به این شاخصه‌ها می‌توان گفت: گفتمان انقلابی، بزرگ‌ترین انحراف بعد از رحلت پیامبر اسلام را، انحراف حکومت از دین اسلام می‌داند و معتقد است، نظام امامت به نظام خلافت تبدیل شد. براین اساس می‌توان یکی از دل‌های این گفتمان را، احیاء سنت پیامبر اسلام و بازگشت به نظام امامت دانست. مولفه‌های این گفتمان، در مقابل گفتمان‌هایی چون شهادت عرفانی، شهادت تکلیفی و شهادت فدییه‌ای است. پس دال مرکزی این گفتمان، انقلاب است و بقیه، نشانه‌های شناور آن هستند.

صالحی نجف‌آبادی، در پاسخ به این شبهه که آیا امام می‌خواسته است هم تشکیل حکومت بدهد و هم کناره‌گیری کند و هم کشته شود؟ می‌گوید: امام حسین علیه السلام، هدفش این بود که علاوه بر نپذیرفتن بیعت یزید، با تشکیل حکومت نیرومند اسلامی، حکومت ظلم و فساد را واژگون کند؛ یعنی پیروزی نظامی برای امام، مطلوب درجه اول و صلح شرافتمندانه، مطلوب درجه دوم و شهادت، مطلوب درجه سوم بوده است؛ بنابراین امام حسین، اول برای پیروزی نظامی و بعداً برای صلح فعالیت کرد؛ ولی برای کشته شدن، هیچ‌گونه فعالیتی نکرد؛ بلکه این عمال حکومت ضد اسلام بودند که فرزند پیغمبر را کشتند و چنین خسارت بزرگی را بر جهان اسلام وارد ساختند (صالحی نجف‌آبادی،

۱۳۶۰:۱۵۷).

رویگرد دیگر از گفتمان انقلابی معتقد است، هدف امام حسین از قیام، شهادت بود. از اول به قصد شهادت و رسوایی نظام اموی، به سوی شهادت شتافت. اصلا شهادت که همان شهادت سیاسی باشد، خود هدف بود (اسفندیاری ۱۳۹۳: ۱۰۰-۶۵). شاخص این رویکرد، دکتر علی شریعتی است که در گفتمان خود از عاشورا بر یک دال مرکزی به نام «شهادت»، تأکید می‌کند و مفهوم خاص، یعنی شهادت را به جامعه القا می‌کند. البته شهادت در گفتمان ایشان با شهادت در دیگر گفتمان‌ها، تفاوت بسیار است. در گفتمان شریعتی اگر در ایام محرم از امام حسین علیه السلام به عنوان شهید یاد می‌شود، فقط برپایی مراسم عزاداری در قالب گریه و اشک و آه و نذری و... نیست. شریعتی می‌گوید: شهید در لغت به معنای «حاضر» و «ناظر»، به معنای «گواه و گواهی دهنده» و به معنای «آگاه» و نیز به معنای «محسوس و مشهود» است. کسی که همه چشم‌ها، به اوست و او «نمونه»، «الگو و سرمشق» است (شریعتی ۱۳۶۷: ۱۷۱).

شریعتی می‌گوید: اساسا در اسلام، شهادت یک حکم مستقل است. و آنچه را من به عنوان یک اصل در کنار جهاد مطرح می‌کنم، شهادت خاصی است که حسین علیه السلام مظهر آن است (شریعتی، ۱۳۶۷: ۲۲۰). در این نگاه، شهادت مرگی نیست که دشمن بر مجاهد تحمیل کند؛ بلکه شهادت، مرگ دلخواهی است که مجاهد با همه آگاهی و با همه منطق، شعور، بیداری و بینایی خویش، خود انتخاب می‌کند (شریعتی، ۱۳۶۷: ۱۹۲). از نظر شریعتی، قیام امام حسین علیه السلام را باید در راستای سلسله انبیاء ابراهیمی تبیین نمود؛ لذا شهادت، دعوتی است برای همه عصرها و همه نسل‌ها (شریعتی، ۱۳۶۷: ۱۹۵).

پس گفتمان انقلابی در دهه چهل، دو پرچم‌دار بارز داشت؛ یکی روحانی سرشناس، صالحی نجف‌آبادی و دیگری از بین روشنفکران، دکتر علی شریعتی بود. در میان اندیشمندان افرادی چون: مطهری، هاشم معروف الحسینی، جلال‌الدین فارسی، سید رضا صدر از معتقدین نظریه شهادت شریعتی بودند (اسفندیاری، ۱۳۹۳: ۹۸-۹۶).

جدول شاخصه‌های گفتمان انقلابی بر اساس نظریه لاکلا و موفه

پژوهش‌نامه تاریخ تشیع

سال چهارم، شماره ۳،

پاییز ۱۳۹۹

۱۲۱

نظریه‌های رقیب	دال‌های شناور	دال مرکزی	مؤلفه‌ها، عناصر، نظام معنایی	
گفتمان اصلاحی	احیای سنت پیامبر ﷺ	انقلاب: -تغییر اساسی	۱ اصالت‌گرا	
	برگرداندن امامت به جایگاه اصلی خود	در ساختار جامعه با تغییر و تحول در نظام معنایی عاشورا	۲ اختیاری بودن	
	واژگونی ریشه‌های حکومت ظالم		-نارضایتی و ناخشنودی از وضعیت موجود و تغییر آن به وضعیت مطلوب	۳ ترکیبی از عقلانیت و حماسه
			۴ عنصر امریه معروف و نهی از منکر	
			۵ باور به تعامل دین و سیاست	
			۶ بحث از هدف‌شناسی قیام	
			۷ تحول اساسی در ساختار جامعه	

**پژوهش‌نامه
تاریخ تشیع**

سال چهارم، شماره ۳،
پاییز ۱۳۹۹

۱۲۲

۲. گفتمان اصلاحی

در تعریف و فهم اصلاح، دیدگاه‌ها، گوناگون و بسیار است؛ اما آنچه دلخواه ماست، اصلاح، در برابر انقلاب و در تضاد با آن نیست؛ بلکه مفهومی است که فرهنگ اسلامی و قرآنی بر آن سفارش کرده است؛ یعنی اصلاح در برابر افساد و به نوعی هم‌ردیف واژه انقلاب که خواهان تحول و دگرگونی سازی‌های بنیادی در فرهنگ، اقتصاد و سیاست جامعه می‌باشد، است (موثقی، ۱۳۷۴: ۱۰۳ و ۱۰۴). این تعریف، با مفهوم مورد نظر شهید مرتضی مطهری از اصلاح در فرهنگ اسلامی، سازگاری دارد. وی اصلاح را هم‌ردیف واژه انقلاب می‌داند که خواهان دگرگون‌سازی‌های بنیادی و عمیق در فرهنگ، اقتصاد و سیاست است (موثقی ۱۳۷۴: ۱۰۴). مطهری امر به معروف و نهی از منکر را یکی از عوامل اصلی و اساسی قیام امام حسین می‌داند و بر اساس این اصل، امام حسین را یک انقلابی به تمام معنی می‌داند (مطهری، ۱۳۸۴: ۱۰۸، ۱۴۸).

باتوجه به این تعریف، اگر وضعیتی در یک اندیشه و نظریه به وجود آید که تفاوت بنیادی و تحول اساسی‌ای در جامعه ایجاد نماید و در تعارض با ارزش‌ها و بنیادهای اساسی حاکم در آن جامعه تلقی شود؛ در این صورت برای فهم این نظریه، نیازمند یک روش جدیدی خواهیم بود که به آن گفتمان اصلاحی گفته می‌شود. با این تعریف، مرتضی مطهری نیز از جمله صاحب نظران گفتمان اصلاحی است.

این گفتمان، در پی حفظ اصالت قیام عاشورا است. می‌کوشد تحریف‌ها و خرافه‌ها را از دامن آن پیرایش کند و نشان دهد که این تحریف‌ها، با واقعیت قیام عاشورا مطابقت ندارد. باورمندان این گفتمان معتقدند، عاشورا را باید طوری تبیین نمود که اتفاق افتاده است، نه به دلخواه و آمال و آرزوهای خودخواسته. این ویژگی گفتمان اصلاحی، در برابر گفتمان عاطفی - احساسی است؛ چون در گفتمان عاطفی، اصالت اهمیت ندارد. در گفتمان اصلاحی، کنشگر و اندیشمند در صدد اصلاح پژوهش‌هایی است که در زمینه عاشورا تألیف و تدوین یافته است تا بتواند از طریق آن به اصلاح جامعه بپردازد. براین اساس بر مفاهیم کلیدی زیر که دال شناور آن است، تأکید دارد؛ یعنی احیاء و زنده

کردن دین (مطهری، ۱۳۸۴: ۱۰۸)، بازگشت به سنت پیامبر اسلام (مطهری، ۱۳۸۴: ۱۷۴) و آگاهانه بودن (مطهری، ۱۳۸۴: ۱۴۰-۱۳۸).

از دیگر مؤلفه‌های مهم گفتمان اصلاحی که آن را با گفتمان‌های رقیب، مانند گفتمان شهادت عرفانی، گفتمان شهادت فدیهای و شهادت تکلیفی متمایز می‌کند، اختیاری بودن قیام است. مرتضی مطهری در رابطه با طرح نظریه‌های رقیب گفتمان اصلاحی، به تعریف تحریف و انواع آن پرداخته و تحریف را به لفظی، قالبی یا معنوی و روحی تقسیم می‌کند (مطهری، ۱۳۸۴: ۶۵، ۶۶، ۶۷ و ۱۰۲) و تحریف معنوی را منشأ ایجاد دو گفتمان، در عاشوراپژوهی می‌داند و هر دو گفتمان را نیز مردود می‌شمرد.

یکی اینکه که شهادت امام حسین علیه السلام را عامل بخشودگی «گناهان» و شفیع گناهان امت دانستن که در نقد آن می‌نویسد: این حرف یکی از اصول معتقدات مسیحی‌ها است که به صلیب رفتن مسیح را، فادی شدن می‌دانند (مطهری، ۱۳۸۴: ۱۰۸، ۱۰۹). دومین تحریف، همان است که می‌گوید حسین علیه السلام یک دستور خصوصی برای کشته شدن داشت. یک دستور خصوصی که مختص خودش بود (مطهری، ۱۳۸۴: ۱۰۹).

مطهری معتقد است، این دو تحریف با گفتمان امام حسین در تعارض است. اولی برای اینکه امام حسین علیه السلام می‌گوید: من نهضت کردم، برای امر به معروف و برای این که دین را زنده کنم و برای این که با مفاسد مبارزه کنم. امام حسین علیه السلام خودش فریاد کشیده است که علل و انگیزه قیام من، مسائلی است که بر اصول کلی اسلام منطبق است و احتیاجی به دستور خصوصی نیست؛ چراکه دستور خصوصی، در جایی است که دستور عمومی وافی نباشد (مطهری، ۱۳۸۴: ۱۰۹، ۱۰۸). دوم اینکه، قیام امام حسین را از الگو بودن می‌اندازد و امام حسین علیه السلام را، از مکتب بودن خارج می‌کند و دیگر قابل پیروی نیست. وقتی که قابل پیروی نشد، دیگر از حادثه کربلا نمی‌شود استفاده کرد و الگو گرفت (مطهری، ۱۳۸۴: ۱۱۰). از دیدگاه مطهری این تحریف معنوی که در حادثه عاشورا صورت گرفته، از تحریف لفظی خطرناک‌تر است (مطهری، ۱۳۸۴: ۱۱۰).

در گفتمان اصلاحی، کلید معرف شخصیت امام حسین حماسه، شور، عظمت،

صلابت، شدت، ایستادگی و حق پرستی است (مطهری، ۱۳۸۴: ۴۵، ۴۶). همه این ویژگی‌ها در او موج می‌زند. در این نگاه، عوامل قیام عبارت‌اند از: تقاضای بیعت، دعوت مردم کوفه، امر به معروف و نهی از منکر (مطهری، ۱۳۸۴: ۱۴۰-۱۳۷). امام حسین علیه السلام، در عامل اول مدافع است. در دوم، متعاون است در سوم، مهاجم است. از نظر عامل سوم، امام دیگر مدافع نیست، متعاون نیست، بلکه یک مهاجم است. یک انقلابی است (مطهری، ۱۳۸۴: ۱۴۶).

پژوهش‌نامه
تاریخ تشیع

سال چهارم، شماره ۳،

پاییز ۱۳۹۹

۱۲۵

جدول شاخصه‌های گفتمان اصلاحی بر اساس نظریه لاکلا و موفه

مؤلفه‌ها، عناصر، نظام معنایی	دال مرکزی	دال‌های شناور	نظریه‌های رقیب
۱ اصالت‌گرا	«خرافه زدایی» و «پیرایش» و «تأکید بر اصالت»	احیاء دین و سنت پیامبر <small>صلی الله علیه و آله</small>	انقلابی
۲ احیاء دین با بازگشت به احیاء سنت پیامبر <small>صلی الله علیه و آله</small>		آگاهانه بودن قیام عقلانیت و حماسه	
۳ ترکیبی از عقلانیت و حماسه، آگاهانه بودن		آزادی — عزت و شرافت	
۴ اختیاری بودن — تقدیرگرایانه نیست			
۵ تأکید بر عنصر امر به معروف و نهی از منکر			
۶ به هدف شناسی قیام می‌پردازد			
۷ مخالفت با تحریف، خرافه و غلو با تحولات تدریجی			
۸ اعتقاد. تعامل دین و سیاست			

۳. گفتمان احساسی - عاطفی

عاشورا، پدیده‌ای است که از هر زاویه‌ای به آن نگاه شود، به‌گونه‌ای متفاوت دیده می‌شود. یکی از این زوایا، گفتمان احساسی - عاطفی است. دال مرکزی این گفتمان، عاطفه و احساس است. این گفتمان به‌نوعی، ادبیات مبتنی بر «مرثیه» است. تأکید بر این شاخصه، جامعه شیعی را از دیگر مسلمانان متمایز ساخته و به‌نوعی هویت‌سازی کرده است. گفتمان عاطفی - احساسی، بر وجوه عاطفی و احساسی یک رویداد تأکید و آن را بزرگ‌نمایی و برجسته‌سازی می‌نماید. این گفتمان، عموماً فاقد استدلال است. هدف اصلی آن، تحریک احساسات و اقناع عاطفی در جهت ایجاد همدلی در افراد است. اتکا به وجوه احساسی، این گفتمان را به قوی‌ترین و گسترده‌ترین گفتمان‌ها در ایجاد ارتباط با اذهان عمومی و پذیرش عامه، بدل کرده است. همچنین پرداختن به ارزش‌های انسانی، اخلاقی و مذهبی، آن را یک گفتمان ارزش‌مدار کرده است؛ البته این ویژگی، آن را با آسیب‌هایی جدی نیز مواجه می‌سازد. از جمله، خلط وقایع تاریخی با داستان‌پردازی، در حاشیه قرار گرفتن یا محو ماهیت حقیقی وقایع و ترویج سطحی‌نگری در ادراک رویدادها (میر ابوالقاسمی، ۱۳۹۳: ۱۸).

این گفتمان بر دو امر استوار است: مظلومیت امام حسین، و ددمنشی دشمنانش. محور اساسی آن نیز، «حزن و اندوه» است که بر ابعاد جان‌سوز و سوگوارانه از قیام عاشور تأکید می‌کند و می‌کوشد تا نشان دهد که امام حسین علیه السلام، شخصیت مظلومی است که به دلیل ددمنشی دشمنی دون، مورد تجاوز و ظلم واقع شده است. این رویکرد نسبت به عاشورا، خود مبتنی بر یک سیر تاریخی است که زمینه‌ها و عوامل سیاسی - اجتماعی، در ایجاد آن دخالت داشته است که بحث مستقلی می‌طلبد؛ با این حال، دوران حکومت صفویان در ایران تأثیر ویژه‌ای بر هژمونی و برجستگی این گفتمان داشته است (مشهدی نوش‌آبادی، ۱۳۹۶: ۲۶)؛ تا آنجا که پیامد چنین هژمونی را می‌توان در متون و آثار عاشوراپژوهی دوران صفویه و دوره‌های بعد، به‌خوبی دید. برای همین در این دوره، تحریفات فراوانی در نقل و تفسیر وقایع عاشورا، ایجاد شد که آثارش هنوز ادامه دارد. برای

همین علی‌رغم ظهور گفتمان‌های انقلابی و اصلاحی از دهه چهل تاکنون، گفتمان احساسی - عاطفی، به علل مختلف تولید و باز تولید می‌شود و در جامعه شیعی، ایفای نقش می‌نماید.

نمادهای اصلی این گفتمان، اندوه، ماتم و حزن، اشک و گریه، آب و عطش، غربت و تنهایی و مظلومیت، قساوت و سنگ‌دلی، داستان‌پردازی و تخیل و اغراق است. به‌خاطر تکیه بر چنین مفاهیمی است که شاخصه‌های خاصی نیز برای این گفتمان شکل می‌گیرد.

باتوجه به نمادهای بیان شده، این گفتمان بیشتر با کنش افراد ارتباط دارد؛ یعنی از کنش‌های ساختارگرا نیست و در پی تغییرات در افراد است، نه در ساخت حکومت و قدرت. برای همین، در صدد تحریک احساسات فردی است و می‌خواهد از طریق اندوه، گریه و... افراد را تحریک و آن‌ها را تغییر دهد؛ پس، از ویژگی‌های اصلی این گفتمان، محوریت و کنش‌گر بودن افراد است، نه ساختار.

خصوصیت دیگر این گفتمان، این است که برای ایجاد معرفت به تحلیل ذهنی حوادث می‌پردازد، نه به تحلیل ساختاری، یعنی می‌کوشد تا از عاشورا خوانشی ذهنی ارائه دهد تا از این طریق، در ذهن و جان آدمیان تغییر ایجاد کند، نه در وضعیت بیرونی و ساختاری. گفتمان عاطفی - احساسی، بریده از واقعیت بیرونی و اصطلاحاً بی‌زمانی (Time less) است.

عدم تأکید بر اصالت، یکی از بنیادی‌ترین ویژگی‌های این گفتمان است؛ یعنی به واقعیت خارجی و اینکه در بیرون چه اتفاقی افتاده است، کاری ندارد؛ بلکه آن چه اصالت دارد، کاری است که بتواند عواطف و احساسات افراد را تحریک نماید. خود این نگاه و عمل، از جمله آسیب‌های جدی این گفتمان است. در این گفتمان، بحث از کشته و چگونه کشته شدن امام حسین است. این که خدا مقدر کرده بود که وی کشته شود؛ اما از چرایی کشته شدن بحث نمی‌کند. این گفتمان، در مقابل دو گفتمان انقلابی و اصلاحی است که اصالت‌گرا هستند. در این گفتمان به علل و عوامل قیام و اهداف آن

توجه نمی‌شود؛ همچنین به ابعاد حماسی حادثه، شجاعت و دلیری و عنصر عزت‌طلبی امام حسین علیه السلام و یارانش توجهی نمی‌شود. به تعبیر مرتضی مطهری، فقط به صفحه سیاه حادثه پرداخته می‌شود (مطهری، ۱۳۸۴: ۲۸-۳۲). دکتر شریعتی نیز این گفتمان از عاشورا را، سنتی مخالف با سنت شهادت می‌داند (شریعتی، ۱۳۷۶: ۲۰۲). در واقع، این نگرش به عاشورا، نگهبان مقبره‌هاست و مقبره می‌سازد. تولید غم و اندوه می‌کند (اسفندیاری، ۱۳۹۸: ۳۱). برای تولید غم و اندوه افزون‌تر هرچه عاطفی و احساسی‌تر کردن افراد، در حق شخصیت‌های عاشورا، غلو و افراط می‌شود؛ پس، از ویژگی مهم این گفتمان، غیرتاریخی بودن، داستانی و خیال‌پردازانه بودن، آمیخته به افسانه و... است. این گفتمان، اصالت‌گرا نیست؛ چون به دنبال کشف حقایق تاریخی نیست و این یکی از وجوه متمایز آن، با دو «گفتمان انقلابی و اصلاحی» است.

جدول شاخصه‌های گفتمان احساسی. عاطفی بر اساس نظریه لاکلا و موفه

نظریه‌های رقیب	دال‌های شناور	دال مرکزی	مؤلفه‌ها، عناصر، نظام معنایی
گفتمان‌های اصلاحی-انقلابی اخلاقی	تولید آه و اندوه	«روضه» و «اشک»	۱ تولید غم و اندوه، اشک و گریه
	تأکید بر عطش و تشنگی		۲ مظلومیت، آب و عطش، تشنگی
	مظلومیت - اشک و گریه		
	آزادی - عزت و شرافت		۳ با کنش فردگرایی در مقابل با کنش ساختارگرایی و جامعه‌گرایی اعتقاد به تغییر فرد از طریق تغییر در ذهن و معرفت
			۴ برای ایجاد معرفت، به تحلیل ذهنی می‌پردازد
			۵ باور به تعامل دین و سیاست ندارد
		۶ اصالت‌گرا نیست	

۴. گفتمان اخلاقی

شکی نیست که بُعد اخلاقی واقعه عاشورا، یکی از وجوه جداناپذیر این واقعه است؛ چراکه خود رهبر قیام عاشورا، یک شخصیت اخلاقی است. افزون بر این وجود گزاره‌های اخلاقی از گفتار و کردار رهبر قیام و یاران وی در پیش و پس از قیام، نشانه بارزی از جنبه اخلاقی قیام عاشورا است. به درستی که عاشورا، نزاع بین دو نگرش به اخلاق است. نزاع بین عمل به معروف و امر بایسته و شایسته، و دوری از منکر و امر نابایست و ناشایست. پس کربلا صحنه چالش بین اخلاق و قدرت بوده است.

با این نگاه، گفتمان اخلاقی یکی دیگر از گفتمان‌های عاشورا پژوهشی است که مورد غفلت واقع شده و تاکنون درباره آن پژوهشی انجام نشده و جای آن بین گفتمان‌های عاشورا پژوهی، خالی بوده است. گفتمانی که تلاش می‌کند، آموزه‌های اخلاقی را استخراج و به جامعه منتقل نماید تا بر اساس آن، اخلاق جامعه را صورت بندی نماید.

منظور از گفتمان اخلاقی چیست؟ و علل پیشنهاد این گفتمان چه بوده است؟ گفتمان اخلاقی، عبارت است از خوانش و قرائتی از عاشورا که تلاش می‌کند از آموزه‌های آن، به مثابه یک منبع اخلاقی (source) برای حل چالش‌ها و معضلات اخلاقی در جامعه استفاده کند. ممکن است چالش‌های اخلاقی جامعه، از دید هرکس متفاوت باشد؛ لذا آموزه‌هایی که از عاشورا استخراج می‌شود، ممکن است متفاوت باشد. برخی همانند آیت الله خامنه‌ای، با بیان درس‌ها و عبرت‌های عاشورا، بر نقش خواص و عوام در حادثه کربلا تأکید کرده و کوشش می‌کند با الهام از این برهه تاریخی، نظریه اخلاقی ارائه نماید که برای جامعه فعلی و زمانه حاضر نیز سودمند باشد، تا از تکرار حوادثی چون عاشورا جلوگیری شود (بیانات مختلف در دیدار با نیروهای مقاومت بسیج در ۱۳۷۱/۴/۲۳؛ در جمع فرماندهان لشکر ۲۷ حضرت رسول ﷺ ۱۳۷۵/۳/۲۰؛ در خطبه نماز جمعه در تاریخ ۱۳۷۷/۲/۱۸). ایشان معتقد است، چالش اخلاقی جامعه ما، بی‌تعهدی خواص است؛ لذا بر روی خواص تمرکز می‌کند و می‌گوید: نقش خواص در عاشورا چه بود؟ نقش خواص در به‌شهادت‌رساندن امام حسین چه بود؟ و...؛ درحالی‌که، دیگر صاحب‌نظران

اخلاق محور معتقدند، مخاطب قیام عاشورا نه خواص، بلکه عوام هستند؛ چراکه امام حسین در پی این بود که اخلاق را در جامعه، نهادینه کرده و خشونت را از بین ببرد؛ لذا می‌توان گفت: امام حسین علیه السلام، یک قدیس و قهرمان اخلاق مهربانی است. او مخالف خشونت بود و تلاش کرد، خشونت و نزاعی صورت نگیرد (به کوشش حسین نورانی نژاد، امین چالاکی، سمیه عالمی پسند، ۱۳۸۴، ۲۲۸).

پژوهش‌نامه تاریخ تشیع

سال چهارم، شماره ۳،
پاییز ۱۳۹۹

۱۳۰

اخلاق ولایت‌پذیری نیز یکی از برداشت‌هایی است که از صحنه عاشورا گرفته می‌شود. معتقدین به این دیدگاه می‌گویند: یکی از عوامل مؤثر در ایجاد حادثه عاشورا، کنارگذاشتن و عمل نکردن به وصایای پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله، نسبت به اهل بیتش بوده است. این طیف از صاحب‌نظران، با تمسک به حدیث ثقلین، راه‌هایی امت از فتنه‌ها را تمسک و عمل به «کتاب خدا» و «پذیرش رهبری و ولایت عترت» می‌دانند (خاتمی، ۱۳۹۴: ۴۸-۴۷). از دید این‌ها، ولایت‌ناپذیری در جامعه بعد از پیامبر، عامل و زمینه‌ساز به وجود آمدن حادثه کربلا بوده است. پس در این زمان هم اگر ولایت‌پذیری نباشد، همان مشکلات و قضایا پیش خواهد آمد.

در این گفتمان دال مرکزی، «رشد اخلاقی» است و دال‌های متعدد دیگری به عنوان دال و نشانه‌های شناور در حول و حوش آن می‌چرند که در مجموع، مؤلفه‌های این گفتمان را تشکیل می‌دهند. این گفتمان اعتقاد دارد، تغییر و تحول اساسی و بنیادین در اخلاق جامعه، باعث شد امام حسین علیه السلام قیام کند تا موانع اساسی بر سر راه زیست اخلاقی جامعه را برطرف نماید. آن موانع چه بود؟ فقدان عدالت و کرامت انسانی که نظام سیاسی و ساختار حاکم، بر شهروندان تحمیل کرده بود. امام حسین علیه السلام، برای رفع و تغییر این موانع که مخالف زیست اخلاقی جامعه بود، مجبور به قیام و سرانجام انتخاب شهادت شد.

تبیین درست حادثه عاشورا به ما می‌گوید: کل حرکت امام حسین، بر اساس دو اصل بنیادین اخلاقی قابل‌توجه است: یکی اصل «عدالت اجتماعی» و دیگری اصل «کرامت انسانی». این دو اصل، از اصول جاودانه اخلاقی است که بر اساس این نظریه، روش مبارزه

و سلاح مبارزه با ظلم سیاسی و انواع دیگر ظلم، تابع زمان و مکان است. مصادیق این دو اصل، ممکن است از دوره‌ای به دوره دیگر، تغییر کند (فنائی، ۱۴۰۰: ۱۲۸). با این نگاه، شاخصه‌های گفتمان اخلاقی عبارت است از:

در این گفتمان نهضت حسینی، نهضت حقیقت، عدالت و اخلاق است و در مقابل نظامی باطل، ظالم و فاقد اخلاق قرار می‌گیرد؛ بنابراین این نهضت صحنه‌ای است از تقابل صداقت با دروغ، عدالت با ستم، امانت با خیانت، صلح‌خواهی با جنگ‌طلبی، وفای به عهد با پیمان‌شکنی و آزادی با ارعاب. از دیدگاه امام حسین علیه السلام حکومت، هدف نیست؛ بلکه وسیله است. هدف عدالت است و معیار مشروعیت حکومت عبارت است از عادلانه‌بودن روش حکمرانی، نه اسلامی بودن آن. از این نظر، می‌توان حکومت‌ها را به دودسته عادل و ظالم دسته‌بندی کرد (فنائی، ۱۴۰۰: ۱۲۷).

این گفتمان، اصالت‌گراست؛ یعنی تأکید دارد که در گفتار و رفتار شخصیت‌های این حادثه، مفاهیم اخلاقی بسیاری وجود دارد. می‌توان از آن‌ها برای زیست اخلاقی جامعه، الهام گرفت که منشأ تحول در جامعه باشد، نه موجب ایستایی و بی‌تحركی در جامعه.

این گفتمان، سیاست‌گریز نیست؛ بلکه به تعامل اخلاق و سیاست باور دارد. پس ساختارگراست. یکی از نمادها و نمودهای نهضت حسینی، چالش اخلاق و قدرت و فضیلت و سیاست است. همین چالش یکی از ویژگی‌های منحصربه‌فردی است که پدیده کربلا و عاشورا را از دیگر پدیده‌های سیاسی، فراتر می‌برد و آن را در ساحت الگویی آرمانی، معنوی و اخلاقی می‌نشانند و بدان خصلتی فراتاریخی می‌بخشد.

برخی با تفاوت گذاشتن بین «اخلاق»^۱ با «اخلاقیات»^۲، اخلاق را از اصول و ارزش‌های جاودانه و متعالی دانسته که به مثابه امور بالذات بوده و قداست دارد. مطلوبیت آن ذاتی، و در فطرت و ذات انسان ریشه دارد؛ برخلاف اخلاقیات که جز عرف، عادت، سنن و

رسوم قومی، ملی، طبقاتی، نژادی و... است و ابزاری، آلی و مقدماتی و همبسته و وابسته زمان و مکان و تابعی از متغیر ظرف تاریخ و جغرافیا و مظهر اجتماعی اقتصادی آن‌ها می‌باشد. این دیدگاه قیام عاشورا را نزاعی با نگرش اخلاقی و با اهداف اخلاقی، در تقابل با منظری غیر اخلاقی و با هدف غیر اخلاقی، معرفی می‌کند (آقاجری، «عاشورا، اخلاق و قدرت»: ۵۰-۵۴).

این گفتمان بر این باور است که حادثه عاشورا، بر معرفت و آگاهی و انتخاب و اختیار آدمی مبتنی است و بر محور عقل و عقلانیت و احساس اخلاقی تأکید دارد. پس، چون اختیار گراست، الگوپذیر هم هست. امام حسین علیه السلام، الگو و سرمشق است. «لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ» و این الگو یک الگوی جهانی، فرادینی و فراجغرافیایی است. اصول آن همچون اصل عدالت، کرامت انسان، آزادی انسان، انتخاب و آزادی بشر، همه از اصول اخلاقی مستقل هستند. اولین معیار برای هر تبیینی از عاشورا، این است که آن تبیین نباید با الگو بودن امام، منافات داشته باشد؛ به هر حال اصل الگو بودن امام، یک پیش فرض برای هر تبیینی از حادثه عاشورا است (فنائی، ۱۴۰۰: ۲۵-۲۴). پیروان این نگاه معتقدند، امام حسین الگو برای جهانیان است و دلیل آن هم تصریح قرآن به «رَحْمَةٌ لِّلْعَالَمِينَ» (سوره انبیاء، آیه ۲۱) بودن پیامبر اسلام است؛ بنابراین امامان ما نیز، رَحْمَةٌ لِّلْعَالَمِينَ اند؛ براین اساس، باید مبانی تصمیم‌گیری او به آن دیگری، قابل تعمیم باشد. این گفتمان، برای تبیین نظریه اخلاقی خود، به رفتار و گفتار امام و یارانش استدلال می‌کند و می‌گوید: در رفتار امام حسین علیه السلام و یاران ایشان، ارزش‌های اخلاقی زیادی وجود دارد؛ اما در میان آن‌ها، سه ارزش اخلاقی به چشم می‌خورد که از بقیه مهم‌ترند. این سه ارزش را در قالب سه اصل، صورت‌بندی می‌کند که عبارت‌اند از: ۱. اصل عدالت. ۲. اصل کرامت انسانی. ۳. اصل آزادی و حریت (فنائی، ۱۴۰۰: ۴۴-۴۳).

این گفتمان، رقیب گفتمان‌های تقدیرگرای شهادت، اعم از عرفانی و تکلیفی، فدیهای و گفتمان عاطفی. احساسی است. دکتر فنائی به نظریه‌های عاشورا پژوهی، در طی قرون متمادی می‌پردازد. وی، در این باره می‌گوید: برای قرن‌ها، تبیین رایجی از این

پژوهش‌نامه تاریخ تشیع

سال چهارم، شماره ۳،

پاییز ۱۳۹۹

۱۳۲

حادثه صورت می‌گرفت. این تبیین، تبیین «اسطوره‌ای» بود. صاحبان این تبیین از عاشورا، معتقد بودند که اراده الهی از آغاز خلقت به این تعلق گرفته بود که چنین حادثه‌ای در آن موقعیت خاص تاریخی و آن مکان خاص جغرافیایی، اتفاق بیفتد و خدا اراده کرده بود، امام حسین را کشته^۱ و زنان و کودکان و اهل بیت را اسیر ببیند^۲.

این گفتمان معتقد است، عاشورای حسین برای احیاء ارزش‌ها و سنت پیامبر است؛ چون ارزش‌ها تغییر کرده بود، امام حسین علیه السلام دست به قیام زد. امر به معروف و نهی از منکر، در این گفتمان به معنای نقد قدرت است؛ نه، تنها نقد درونی و خود، بلکه نقد جامعه و قدرت، چون امام الگو و سرمشق است و باید همچون امام، به نقد قدرت پرداخت، چون قدرت‌ها، منبع معروف و منکر هستند.

جدول شاخصه‌های گفتمان اخلاقی بر اساس نظریه لاکلا و موفه

مؤلفه‌ها، عناصر، نظام معنایی	دال مرکزی	دال‌های شناور	نظریه‌های رقیب
۱ اصلت‌گرا	«رشد اخلاقی»	«ایثار»، «ولایت‌پذیری»، «خودسازی»، «معنویت‌گرایی»، «دنیا‌گریزی»	انقلابی-اصلاحی- احساسی و عاطفی
۲ باور به تعامل دین و سیاست			
۳ تأکید بر عقل و عقلانیت			
۴ قابلیت الگوپذیری			
۵ جهانی و فراجغرافیایی			
۶ تأکید بر انتخاب، اراده و آزادی بشر			
۷ تأکید بر امر به معروف و نهی از منکر به معنای نقد قدرت			
۸ به هدف‌شناسی قیام نمی‌پردازد			

پژوهش‌نامه تاریخ تشیع

سال چهارم، شماره ۳،

پاییز ۱۳۹۹

۱۳۳

۱. فَإِنَّ اللَّهَ قَدْ شَاءَ أَنْ يَرَكَ قَتِيلًا.

۲. وَ خَرَجَ مُحَمَّدٌ بْنُ الْحَنَفِيَّةِ يُشَبِّعُهُ فَقَالَ لَهُ عِنْدَ الْوَدَاعِ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ، اللَّهُ اللَّهُ فِي حَرَمِ رَسُولِ اللَّهِ! فَقَالَ لَهُ: أَيْيَ اللَّهِ إِلَّا أَنْ يَكُونَ سَبَايَا.

نتیجه

تمایز گفتمان‌های موجود در عاشورا پژوهشی، نشان می‌دهد که پژوهش‌گران این حوزه، تلاش کرده‌اند تا با استفاده از وجاهت و سرمایه اجتماعی حادثه عاشورا، پاسخ درخوری به مسائل سیاسی و اجتماعی روزگار خود بدهند. وضعیت‌های تاریخی و چالش‌های سیاسی و اجتماعی، پژوهش‌گران را بر آن داشته است تا از عاشورا، خوانشی ارائه دهند که پاسخ‌گوی مشکلات و مسائل جاری جامعه باشد. در این تحقیق، نشان داده شد که چهار گفتمان رقیب، در عاشوراپژوهی وجود دارد: گفتمان انقلابی، گفتمان اصلاحی، گفتمان عاطفی و گفتمان اخلاقی. دال مرکزی هر کدام از این گفتمان‌ها، با دیگری فرق می‌کند. در گفتمان انقلابی دال مرکزی، ایجاد تحولات عمیق در ساختار قدرت و جابه‌جایی آن است. بازیگران این گفتمان با تمرکز بر شعارهای آرمان‌گرایانه، کوشیده‌اند تا از عاشورا، خوانشی ارائه دهند که در نهایت به ایجاد انقلاب بیانجامد. آن‌ها، انقلابی‌هایی بوده‌اند که عاشورا را دست‌مایه تغییرات انقلابی می‌دانستند. در مقابل، گفتمان اصلاحی بر پایه ایجاد تحولات آرام‌تر و اصلاح‌گری، مبتنی است. این اصلاح‌طلبی، کمتر به حوزه قدرت و سیاست برگشته و بیشتر به اصلاح رویه‌ها و فرایندهای درون ساختاری، معطوف است. گفتمان عاطفی، بر پایه عاطفه‌گرایی شکل‌گرفته است. در این گفتمان، بر پاسداری از اصالت این قیام، تأکید نمی‌شود. کنشگران این گفتمان از عاشورا، خوانشی ارائه می‌دهند که نتیجه آن، تحریک عواطف و احساسات مخاطبان است. این گفتمان، سویه سیاسی نداشته و به قدرت معطوف نیست. اما گفتمان اخلاقی که عمری کمتر دارد، بر رشد و اصلاح اخلاقی کنشگران، مبتنی است. این گفتمان، به دنبال درس‌ها و عبرت‌های عاشوراست. کنش‌گران این گفتمان، در پی ایجاد تحولات اخلاقی در افراد هستند. تلاش آنان، سویه‌های سیاسی کمتری دارد و بیشتر بر ایجاد تعهد نسبت به پیام‌های اخلاقی عاشورا، تأکید و تمرکز دارند.

گفتمان‌های عاشوراپژوهی، متداخل یا تودرتو و حالتی ابری و پیوستاری دارند و از هر زاویه‌ای نگاه بشود، به‌گونه‌ای متفاوت دیده می‌شود؛ لذا با اینکه هر کدام از گفتمان‌ها، مستقل هستند؛ اما مؤلفه‌های مشترک و متفاوتی دارند.

پژوهش‌نامه تاریخ تشیع

سال چهارم، شماره ۳،

پاییز ۱۳۹۹

۱۳۴

منابع

- قرآن کریم.
- اسفندیاری، محمد، عاشورا شناسی، پژوهشی درباره هدف امام حسین علیه السلام، تهران: نشر نی، ۱۳۹۳ش.
- اسفندیاری، محمد، حقیقت عاشورا، از عاشورای حسین علیه السلام تا تحریفات عاشورا، تهران: نشر نی، ۱۳۹۸ش.
- آرتور، آسابرگر، تحلیل گفتمان کاربردی، ترجمه حسین پاینده، تهران: مروارید، ۱۳۹۸ش.
- آقاجری، سید هاشم، «پویایی جامعه و دگرگونی در گفتمان عاشورا، بازتاب سیاسی و غیر سیاسی شدن در فرائد های عاشورا»، گنگره بین المللی امام خمینی و فرهنگ عاشورا، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۷۴ش.
- _____، «عاشورا، اخلاق و قدرت»، بازتاب اندیشه، شماره ۳۸، ۱۳۸۲ش.
- جعفریان، رسول، تأملی در نهضت عاشورا، تهران: نشر علم، ۱۳۹۹ش.
- خاتمی، احمد، عبرت های عاشورا، قم: مؤسسه بوستان کتاب، ۱۳۹۴ش.
- دایان، مک دائل، مقدمه ای بر نظریه های گفتمان، ترجمه حسین علی نوزری، تهران: فرهنگ و گفتمان، ۱۳۸۰ش.
- شریعتی، علی، سین وارث آدم (مجموعه آثار ۱۹)، تهران: انتشارات قلم، ۱۳۶۷ش.
- صالحی نجفآبادی، نعمت الله، شهید جاوید، تهران: مؤسسه خدماان فرهنگی رسا، ۱۳۶۰ش.
- _____، صای موسی یا درمان بیماری غلو، تهران: امید فردا، ۱۳۸۰ش.
- _____، قضاوت زن در اسلام همراه با چند مقاله دیگر، تهران: امید فردا، ۱۳۸۳ش.
- _____، شوکران اندیشه: خاطرات و اندیشه هایی از آیت الله صالحی نجف آبادی، تهران: کویر، ۱۳۹۵ش.
- فردیناند دو سوسور، درس های زبان شناسی همگانی، ترجمه نازیلا خلخالی، تهران: نشر و پژوهش فروزان روز، ۱۳۷۸ش.
- فنایی، ابوالقاسم، افسون گل سرخ، کندوکاوی در تبیین اخلاقی واقعه کربلا، تهران: نگاه معاصر، ۱۴۰۰ش.
- محلاتی، محمد جعفر، امام حسین پژوهشی برای جهان معاصر، تهران: نگاه معاصر، ۱۳۹۸ش.

پژوهش نامه تاریخ تشیع

سال چهارم، شماره ۳،

پاییز ۱۳۹۹

۱۳۵

- _____، امام حسین پژوهی برای جهان معاصر، تهران: نگاه معاصر، ۱۳۹۹ ش.
- مشهدی نوش آبادی، محمد، تصوف ایرانی و عزاداری عاشورا نقش صوفیه، اهل فتوت و قلندریه در بنیان گذاری آیین های محرم، اصفهان: آرما، ۱۳۹۶ ش.
- مطهری، مرتضی، آینده انقلاب اسلامی ایران. قم: صدرا، ۱۳۶۲ ش.
- _____، مجموعه آثار ۱۷، (جلد دوم از بخش سیره معصومین علیهم السلام، قم: صدرا، ۱۳۸۴ ش.
- موثقی، سید احمد، جنبش های اسلامی معاصر، تهران: سمت، ۱۳۷۴ ش.
- میر ابوالقاسمی، سیده رقیه، تحول گفتمان در گزارش واقعه کربلا (با تکیه بر آثار فارسی تا نیمه اول قرن دهم هجری قمری)، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۹۳ ش.
- نورانی نژاد، حسین، امین چالاکی، سمیه عالمی پسند، اشورا در گذار به عصر سکولار، مجموعه مقالات، مقاله مصطفی ملکیان، تهران: کویر، ۱۳۸۴ ش.
- هانتینگتون، ساموئل، سامان سیاسی در جوامع دستخوش دگرگونی، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: علم، ۱۳۷۰ ش.
- یحیایی ایله ای، احمد، «تحلیل گفتمان»، تحقیقات روابط عمومی، ۱۰ (۶۰)، ۱۳۹۰ ش.

پژوهش نامه تاریخ تشیع

سال چهارم، شماره ۳،

پاییز ۱۳۹۹

۱۳۶